

فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۹۵، صفحات ۲۰۱-۲۳۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت زندگی (با تأکید بر سبک زندگی و فرهنگ شهروندی) مطالعه موردی: شهروندان شهرهای آران و بیدگل و کاشان

محسن نیازی^۱

محدثه قبايي آراني^۲

اسماء عسگری کویری^۳

چکیده

امروزه مفهوم کیفیت زندگی، بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و کارشناسان اجتماعی قرار گرفته است. نتایج مؤثر آن در توسعه پایدار، رفاه و پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع توسعه‌یافته، موجب شده که کشورهای در حال توسعه نیز ضرورت آن را درک کرده و زمینه آموزش و تحقق آن را فراهم آورند. هدف از این تحقیق، مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت زندگی شهروندان در جامعه آماری مورد مطالعه است. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش اجتماعی است و نمونه مورد مطالعه ۲۵۰ نفر از شهروندان شهرهای آران و بیدگل و کاشان می‌باشند که با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین کیفیت زندگی با سبک زندگی، فرهنگ و آموزش شهروندی همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین از بین عوامل فوق، متغیر سبک زندگی در مدل رگرسیونی باقی مانده و توانسته حدود ۵۰ درصد از تغییرات متغیر کیفیت زندگی را تبیین نماید.

کلید واژه‌ها: کیفیت زندگی، سبک زندگی، شهروندی، آموزش شهروندی، فرهنگ شهروندی.

۱ - استاد گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) Niazim@kashanu.ac.ir

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان mgaha013@gmail.com

۳ - دانشجوی دکتری بررسی مسایل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان asma.asghari@yahoo.com

مقدمه

قرن‌ها است که مردم به طور ذاتی به دنبال یک زندگی خوب بوده و هستند و در این راستا برای بهبود شرایط زیست خود سعی کرده‌اند تا از استعدادها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود حداکثر بهره‌برداری را بنمایند. از این رو، همواره دغدغه اصلی مردم این بوده که زندگی مطلوب و با کیفیت چگونه زندگی می‌باشد (اوتوق، ۱۳۸۴: ۳۴). توجه به مفهوم کیفیت زندگی، یکی از رویکردهای نوین در زمینه اصلاح و تکامل توسعه است. در پرتو نفوذ این مفهوم، رویکردی جدید در عرصه برنامه‌ریزی شهری شکل گرفته که به دنبال آن، برنامه‌ریزی شهری، علاوه بر توجه به اهداف کالبدی، باید به نیازهای کیفی مردم شهر نیز پاسخ گوید. کیفیت زندگی به عنوان احساس فرد از سلامت، رضایت یا عدم رضایت از زندگی، سرور و شادمانی یا ناخشنودی و نظایر آن تعریف شده است (دالکی، ۱۹۷۲). ریشه‌های تاریخی استفاده از آن را می‌توان در آثار کلاسیک ارسطو که مربوط به سال ۳۳۰ قبل از مسیح است، یافت. ارسطو، در اصول اخلاقی کلاسیک از رابطه بین کیفیت زندگی در هنگام شادی و ارزش‌های ذهنی افراد سخن می‌گوید (مختاری نظری، ۱۳۸۹: ۱۵).

در سال‌های اخیر، برخی از شاخص‌های کیفی و انسانی توسعه، نظیر خوشبختی، آزادی، رضایت از زندگی و احساس امنیت نیز به عنوان شاخص‌های توسعه مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در تعامل نزدیک با این شاخص‌ها، از میان عوامل اجتماعی و فرهنگی از جمله سبک زندگی یاد می‌شود که در زیر مجموعه‌ی شاخص‌های کلان کیفیت زندگی قابل طرح است (عنبری، ۱۳۸۹: ۱۵۰). سبک زندگی یکی از مفاهیمی است که در نیمه‌ی دوم قرن بیستم مورد توجه جدی و اقبال جامعه‌شناسان قرار گرفت.

در واقع، با طرح مباحث مربوط به مدرنیته، هویت، مصرف و انگیزه‌های مصرف-کنندگان از سوی جامعه‌شناسان، بستر مناسبی جهت رشد مطالعات و تحقیقات تجربی در زمینه‌ی سبک زندگی و کیفیت زندگی فراهم شد. این گسترش با محوریت نظریات و آرای جامعه‌شناسانی همچون ماکس وبر، گیدنز، وبلن و غیره انجام گرفت. بررسی پیشینه‌های تجربی در زمینه سبک زندگی در ایران نشان می‌دهد که سابقه پژوهش در این زمینه به کم‌تر از بیست سال می‌رسد.

گسترده‌گی ابعاد و پیچیدگی موضوع موجب گردیده است که مرزهای محدود کننده‌ی آن مبهم باشد و لذا برداشت‌های متفاوتی از این موضوع و قلمرو آن به وجود آمده است. در حال حاضر، سبک زندگی در جوامع بشری با سرعتی غیر قابل باور در حال تغییر است و در این میان، خرده فرهنگ‌ها نیز به تدریج در فرهنگ کل و جهانی شده تغییر می‌یابند؛ مگر این که خرده فرهنگ‌ها، هویت و اصالت خود را حفظ و آن را با متن زندگی امروز منطبق کنند و در زمینه فرهنگ خویش احساس تعهد نمایند و برای کیفیت زندگی خویش اهمیت قایل باشند (فاضلی، ۱۳۸۲).

علاوه بر انتخاب صحیح سبک زندگی برای داشتن یک زندگی مطلوب، کیفیت زندگی اجتماعی، نیازمند رعایت اصول و وظایفی است که امروزه تحت عنوان اصول شهروندی شناخته می‌شود. اصولی که پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد و چارچوبی را برای تعامل میان افراد، گروه‌ها و نهادها فراهم می‌کند و در قالب فرهنگ شهروندی برای افراد درونی می‌شود (فاطمی نیا، ۱۳۸۶: ۳۵). فرهنگ شهروندی، مقوله‌ای فرهنگی بوده و مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و توانمندی‌های اکتسابی تک تک افراد جامعه را در برمی‌گیرد و با

تصحیح رفتارها، زمینه‌های لازم را برای رشد و توسعه‌ی جامعه فراهم می‌کند (تویاس، ۱۹۹۷). فرهنگ شهروندی به مثابه نوعی فرآیند از قرن ۱۹ میلادی، همگام با جوامع مدنی و دولت‌های ملی شکل گرفته است. این پدیده با جدی شدن مسأله جهانی شدن در دهه‌های اخیر از مهم‌ترین مسائل اجتماعی معاصر می‌باشد، چرا که لازمه‌ی حل مسائل شهری، بحران‌های شهرنشینی و اصلاح کیفیت زندگی شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۰). آموزش فرهنگ شهروندی، مهم‌ترین عامل مؤثر در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه به شمار می‌رود. از این رو در جوامع، منزلتی یگانه یافته و مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که بر روابط اجتماعی میان مردم حاکم است (فتیحی و اجارگاه و دیبا، ۱۳۸۵: ۳۴).

در مجموع ارتقای سطح فرهنگ شهروندی شامل بهبود قوانین و مقررات فرهنگی و اجتماعی، ارائه‌ی آموزش‌های لازم به مردم برای آگاهی از حقوق اجتماعی خود و دیگران و تعیین معیارهایی برای رفتار صحیح افراد در زندگی است (هاشمیان‌فر و عجمی، ۱۳۹۱: ۲۱۰). از این رو، هدف اساسی پژوهش حاضر، تبیین و بررسی رابطه کیفیت زندگی شهروندان با مفاهیم سبک زندگی، فرهنگ و آموزش شهروندی است.

مبانی نظری

در این قسمت به بررسی مهم‌ترین نظریات پیرامون مفاهیم کیفیت زندگی، سبک زندگی، آموزش و فرهنگ شهروندی پرداخته شده است.

الف) کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی است که از نیمه‌ی دوم قرن بیستم مورد توجه نظریه-پردازان مختلف علوم اجتماعی، مدیران و کارگزاران سیاست اجتماعی قرار گرفته است. اولین بار، در دانشگاه تورنتوی کانادا در سال ۱۹۹۴، واحد تحقیق پیرامون کیفیت زندگی تأسیس شد و درخصوص ارزیابی کیفیت زندگی با محوریت سلامت، شروع به فعالیت کرد. بر اساس مطالعات این واحد، کیفیت زندگی وضعیتی است که یک فرد از امکانات مهم موجود در زندگی خود برخوردار شده و لذت می‌برد. این امکانات از فرصت‌ها و محدودیت‌های هر فرد در زندگی ناشی و در تعامل عوامل فردی و محیطی منعکس می‌شود. طبق این دیدگاه، مفاهیمی چون بودن، تعلق داشتن، و تحقق یافتن مطرح می‌شود و چگونگی تحقق این مفاهیم و میزان آن، گویای سطح کیفیت زندگی خواهد بود (مختاری و نظری، ۱۳۸۹). کیفیت زندگی، هم تعیین کننده شرایط عینی و هم سبب رضایت ذهنی افراد است. از این رو، هر تعریفی از کیفیت زندگی می‌بایست بر سه معیار مسائل فرهنگی، مبانی علمی، توجه به بهره‌برداری از محیط زیست و بهبود شرایط محیط زیست مبتنی باشد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸).

در بررسی مفهوم کیفیت زندگی، لیو^۱ سه رویکرد، شامل تعریف کیفیت زندگی براساس عناصر تشکیل دهنده آن مانند شادکامی، رضایت‌مندی، ثروت و غیره، تعریف کیفیت زندگی از طریق به کارگیری شاخص‌های عینی و ذهنی اجتماعی مانند تولید ناخالص داخلی، بهداشت، رفاه و آموزش و تعریف کیفیت زندگی براساس تعیین متغیرها یا عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی و توجه به زمینه‌ها و شرایطی

1- Liu

که در آن سطح کیفیت زندگی تعیین می‌شود، ارایه نموده است (لیو، ۱۹۷۶). برخی از محققان بر رضایت از زندگی^۱، به عنوان مؤلفه‌ی اصلی کیفیت زندگی تأکید می‌کنند و چهار نوع رضایت از زندگی شامل رضایت ناشی از داشتن که متأثر از میزان برخورداری افراد از امکانات است. رضایت ناشی از ارتباط که معطوف به روابط اجتماعی است، رضایت ناشی از بودن که پنداشت فرد نسبت به خویشتن و تعریف از کیستی خود بوده و دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل از خود-بیگانگی دارد و نهایتاً رضایت ناشی از اقدام و عمل که بیش‌تر معطوف به چگونگی زمان در اختیار، در قالب اوقات فراغت می‌شود، را مطرح نموده‌اند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸).

از دیدگاه مالمن^۲، کیفیت زندگی مفهومی ناظر بر افراد است و هم‌چون انتظارات از طریق تعامل پویای بین فرد مفروض، جامعه و محل سکونت او تعیین می‌شود. در نظر دیوان^۳، کیفیت زندگی به عنوان حالتی در نظر گرفته می‌شود که فرد در آن نسبت به خود، طبیعت و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند احساس آرامش درونی دارد (دیوان، ۲۰۰۰:۳۱۵). او دو عامل داشتن هدف در زندگی و دیگری برخورداری از روابط مناسب با دیگران را در ایجاد این حالت مؤثر قلمداد نموده است. میلز^۴، نشان می‌دهد که اصطلاح کیفیت زندگی معمولاً، یا به عنوان برآوردهای ذهنی رضایت-مندی و بهزیستی و یا به عنوان مجموعه‌ای از ستانده‌های اقتصادی و اجتماعی که افراد یا گروه‌ها به دست آورده‌اند، توصیف می‌شود (غفاری، امیدی، ۱۳۸۸: ۶).

1- Life satisfaction

2- Mallman

3- Diwan

4- Miles

در همایش اسکاپ ۱۹۸۸، رویکردی رفاهی اتخاذ گردیده است که کیفیت زندگی را معادل ریشه‌کنی فقر و بهبود استانداردهای زندگی می‌داند. هم‌چنین، در چهارچوب تحلیل سیستمی، کیفیت زندگی رهیافتی است که بر توانمندی افراد برای ارتقای قابلیت‌های آن‌ها در رفع محدودیت‌ها جهت دستیابی به اهداف سیستماتیک اشاره دارد. در این رویکرد، انسان، محور اصلی توسعه قرار می‌گیرد و پرسش در مورد کیفیت زندگی می‌بایست به نیازهای افراد و ارضای آن‌ها توجه داشته باشد.

ب) سبک زندگی

یکی از متغیرهایی که در تعامل نزدیک با مفهوم کیفیت زندگی قرار می‌گیرد، متغیر سبک زندگی است. معادل واژه سبک در زبان عربی تعبیر اسلوب و در زبان انگلیسی style است. عبارت سبک زندگی، در شکل نوین آن^۱، اولین بار توسط آلفرد آدلر در روان‌شناسی در سال ۱۹۲۹، میلادی ابداع شد. این عبارت، به منظور توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان مورد استفاده قرار گرفت. واژه سبک زندگی برای اقسام و انواع سبک‌های مختلفی از زندگی با رویکردهای متفاوت، مانند سبک زندگی اسلامی، غربی، شرقی و یا سبک زندگی در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره به کار می‌رود. در مجموع، آنچه از مفهوم سبک زندگی معمولاً در نوشتار، گفتار، رسانه‌ها و به ویژه در فضای مجازی و اینترنت به تصویر کشیده می‌شود، بیش‌تر ناظر به همان جلوه‌های بیرونی و خارجی حیات و تمدن غربی از قبیل مد، دکوراسیون، الگوی مصرف و مفاهیمی از این قبیل می‌باشد (فیضی، ۱۳۹۲).

در میان اندیشمندان علوم اجتماعی، سبک زندگی با رویکردهای مختلفی تعریف

شده است. سولومون اعتقاد دارد که هر جامعه‌ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد. در جوامع سنتی انتخاب‌های مبتنی بر مصرف به شکل گسترده‌ای براساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می‌شود؛ در حالی که در جوامع مدرن، مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها، خدمات و فعالیت‌هایی هستند که به نوبه‌ی خود هویت اجتماعی آن‌ها را خلق می‌کند (رسولی، ۱۳۸۲). از نظر آدلر «سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه‌ی فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارد» (به نقل از برزگر، ۱۳۸۸). فاضلی در کتاب «مصرف و سبک زندگی»، سبک زندگی را طیف رفتاری معرفی می‌کند که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش گرفته و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده می‌باشد و الزاماً، برای همگان قابل تشخیص نیست (فاضلی، ۱۳۸۲). به طور کلی، آنچه مفهوم سبک زندگی را به کیفیت زندگی پیوند می‌زند این ویژگی سبک زندگی است که شامل مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی است که یک فرد به منظور تأمین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می‌گیرد و کیفیت و شیوه‌ی زندگی هر فردی بیان‌گر هویت و معرف شخصیت او است (شریفی، ۱۳۹۱).

ج) آموزش شهروندی

اصطلاح شهروندی اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شد و شاید انگیزه اصلی تعریف این واژه در ادوار باستان به نوعی رجحان شهروندان قلمرو یک دولت یا فئودال بر بیگانگانی بوده است که در قلمرو آن دولت یا فئودال سکونت داشته‌اند. شهروند، عضو یک اجتماع سیاسی است که از مزایا و نیز مسئولیت‌های

وابسته به این عضویت برخوردار است. به عبارت دیگر، شهروندی، برخورداری از برخی حقوق به ازای قبول پاره‌ای از تکالیف است (موشار، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

آموزش شهروندی را باید در برگیرنده‌ی آموزش دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی دانست که با ماهیت و شیوه‌های اداره‌ی یک نظام مردم‌سالاری مشارکتی همخوانی و ارتباط دارد. آموزش شهروندی، عملاً به عنوان وسیله‌ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدف در زندگی برای جوانان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ایجاد، تنظیم و گسترش روابط، مناسبات، حقوق و مهارت‌های لازم در ساماندهی ارتباطات اجزای سه گانه شهر شامل (انسان‌ها، فعالیت‌ها و اماکن شهری) موضوعاتی است که در حیطه آموزش‌های شهروندی قرار می‌گیرد (نظام‌نامه جامع آموزش و مشارکت‌های شهروندی شهرداری تهران، ۱۳۸۵). آموزش مؤثر شهروندی از همان آغاز به کودکان، اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی در کلاس درس و چه فراسوی آن می‌آموزد. وجه دیگر این آموزش، درگیر ساختن نوجوانان و جوانان در مسایل مربوط به شرایط زندگی و دغدغه‌های اجتماع محل زیست آنهاست (یادگیری از طریق مشارکت و داوطلب شدن در فعالیت‌های عام‌المنفعه و دسته جمعی را باید از این مقوله دانست) و بالأخره وجه سوم آموزش شهروندی را می‌توان انتقال دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌هایی به کودکان دانست که به واسطه‌ی آن خود را عضو مفیدی از حیات عمومی جامعه تشخیص دهند و برای داشتن یک زندگی با کیفیت مطلوب تلاش کنند.

بدین ترتیب، هدف‌های آموزشی فرهنگ شهروندی عموماً، حول سه محور آموزش مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، فعالیت‌گرایی اجتماعی و آموزش سواد سیاسی

تعیین می‌شوند. همچنین آموزش فرهنگ شهروندی، مهم‌ترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می‌شود (رفیعی و لطفی، ۱۳۸۹: ۲).

برخی از صاحب‌نظران در تبیین مفهومی تربیت شهروندی، سه مؤلفه‌ی به هم مرتبط را تحت عنوان دانش شهروندی، مهارت‌های شهروندی و نگرش شهروندی مدنظر قرار داده و آن‌ها را از جمله عناصر اصلی تعریف شهروندی می‌داند (فتحی واجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۸). آموزش شهروندی، سه مؤلفه‌ی مهم را در بر می‌گیرد. دانش شهروندی شامل عقاید و اطلاعات اساسی که یادگیرندگان به منظور این که یک شهروند مسؤول و مؤثر باشند باید بدانند و به کار گیرند. مهارت شهروندی که مهارت‌های عقلانی مورد نیاز به منظور فهمیدن، توضیح دادن، مقایسه کردن، ارزیابی کردن اصول و عملکردهای دولت و شهروندی را شامل می‌شود. مهارت‌های شهروندی همچنین شامل مهارت‌های مشارکتی است که شهروندان را قادر می‌سازد تا خط مشی‌های دولت را تحت نظارت و تأثیر قرار دهند. همچنین نگرش شهروندی شامل ویژگی‌های شخصیتی، خلق و خوی‌ها، تعهدات مورد نیاز برای حفظ و گسترش حکومت دموکراتیک و شهروندی می‌باشد. نمونه‌هایی از نگرش شهروندی، از احترام به ارزش افراد، صداقت، تحمل و شکیبایی، همدردی و وطن‌پرستی، تعهد نسبت به حقوق بشر، نفع عمومی، برابری و رعایت قانون و تلاش برای کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد.

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت که آموزش شهروندی حائز اهمیت

اساسی در زندگی است، زیرا افراد جامعه باید یاد بگیرند که به نحوی مؤثر در بهبود بخشیدن به امور گوناگون جامعه‌ی محلی، ملی و جهانی مشارکت کنند. این آموزش‌ها می‌تواند توسط خانواده، مدرسه و رسانه‌های همگانی و سایر نهادهای اجتماعی مثل شهرداری‌ها انجام بگیرد (لطف آبادی، ۱۳۸۵: ۳۶).

د) فرهنگ شهروندی

امروزه، شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف را در بر می‌گیرد که زندگی اجتماعی بدون توجه به آن ممکن نیست. در واقع، زندگی جمعی نیازمند رعایت اصول و قوانینی است که جانوسکی، تحت عنوان فرهنگ شهروندی از آن یاد می‌کند. فرهنگ شهروندی مجموعه توان‌مندی‌های اکتسابی تک تک اعضای جامعه را در بر می‌گیرد و راه و رسم چگونه زیستن را می‌آموزد.

فرهنگ شهروندی، یک مفهوم وسیع است که با روح جمعی قرابت دارد و در بردارنده یادگیری اصول زندگی اجتماعی شامل کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و وفاداری به تعهدات شهروندی است (کفاشی، ۱۳۸۷). در واقع، فرهنگ شهروندی، علاوه بر زمینه‌های سیاسی، بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسائل نظری جامعه‌شناسی، مثل شرایط یگانگی، همبستگی اجتماعی و روحیه‌ی قانون‌مندی ناظر است (هاشمیان‌فر و گنجی، ۱۳۸۸).

روحیه‌ی قانونگرایی و احترام قلبی به قانون، ضمن آنکه ضمانتی برای اجرای قانون است، زمینه نهادینه شدن احترام به حقوق شهروندی و قانون‌مداری را فراهم می‌آورد و بیان‌گر تمایل و گرایش همه‌آحاد جامعه به قانون است. یکسان اجرا شدن قانون درباره‌ی همه افراد بدون توجه به نسب، مقام، ثروت و قدرت در جامعه و

مساوی بودن همه در برابر آن نشانه‌ای از همین روحیه‌ی قانون‌مداری در بین شهروندان و پابندی به فرهنگ شهروندی است (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۶۴). بنابراین، هر جامعه‌ای باید سعی در غنی‌سازی فرهنگ شهروندان خویش داشته باشد تا بتواند به توسعه و پیشرفت دست پیدا کند. اعتلای فرهنگ شهروندی جز با آموزش و آگاهی بخشیدن از حقوق، وظایف و مفاهیم اصلی مربوط به شهروندی و رفتار مناسب در مورد وظایف ممکن نیست. بنابراین، رشد و آماده‌سازی شهروندان برای زندگی از اهداف مهم نهادهای مختلف اجتماعی از جمله شهرداری‌ها است (الیاس، ۲۰۱۰). پرورش شهروند فعال و مؤثر، خواه در سطح ملی و خواه در سطح جهانی، مستلزم عزم و اراده برای تعلیم، تربیت و برنامه‌ریزی مناسب در این راستا است. میشل سدلر، بر این باور است که نظام آموزشی شهروندی در هر کشوری، متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتصادی است که هر یک از آن‌ها به نوبه‌ی خود، در شکل دادن آموزش‌های فرهنگ شهروندی نقش حیاتی ایفا می‌کنند. سدلر خاطر نشان می‌کند که آموزش فرهنگ شهروندی در یک جامعه ممکن است در جهت تربیت افرادی باشد که حافظ شرایط موجود باشند و تسلیم سرنوشت مقدر شوند یا ممکن است تربیت انسانی باشد که حاکم بر سرنوشت خود باشد و در تکاپوی زندگی مرفه و ایجاد شرایطی مطلوب قدم بردارد (آقازاده، ۱۳۸۵: ۴۷)، که در این صورت، در راستای کیفیت مطلوب زندگی خواهد بود.

(و) پیشینه تحقیق

براساس نتایج مطالعات، عوامل متعددی بر کیفیت زندگی شهروندان و ابعاد آن تأثیر گذار است که از آن جمله می‌توان به سبک زندگی، آموزش شهروندی و

فرهنگ شهروندی اشاره کرد.

نتایج مطالعه فیضی (۲۰۱۱)، که با هدف بررسی رابطه استرس و مؤلفه‌های مهم سبک زندگی؛ یعنی فعالیت فیزیکی و عملکرد تغذیه‌ای بر کیفیت زندگی، با کنترل اثر مجموعه‌ی مهمی از متغیرهای زمینه‌ای، در جمعیت عمومی ۱۹ سال و بالاتر ساکن اصفهان و حومه انجام شده است نشان می‌دهد که هر چه سبک زندگی افراد، دارای سلامت بهداشت بالاتر باشد، کیفیت زندگی و میزان رضایت از زندگی فرد بالاتر می‌رود.

بوتین، گریفین و همکارانش در طی پژوهش خود در سال (۲۰۰۹)، به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌ها و سبک زندگی بر کاهش مصرف مواد، ارتقاء سطح کیفیت زندگی و بهبود راهکارهای مقابله‌ای مؤثر در مقابله با مشکلات و شرایط فشارزا تأثیر مثبتی داشته است (بوتین و گریفین، ۲۰۰۴، ونزل و همکاران، ۲۰۰۹). با توجه به این موضوع امیری و برمکوهی عنوان کردند که اجرای برنامه آموزشی مهارت‌های زندگی با ایجاد تغییراتی در خودآگاهی، درک و فهم احساسات و افکار، سبک‌های ارتباطی، گرایش‌های رفتاری، احساس خود کارآمدی و کفایت فردی در دانشجویان منجر به تغییر رفتار و در نهایت افزایش کیفیت زندگی آنان شده است (امیری و برمکوهی، ۱۳۸۸) (محمودی و همکاران، ۱۳۹۲).

طاهری خرامه و همکارانش پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط سبک‌های مذهبی و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به بیماری عروق کرونر انجام دادند که بر اساس یافته‌های این مطالعه، علاوه بر نقش جنسیت در کیفیت زندگی، بیماران با سبک‌های مقابله‌ای مذهبی منفی، در خطر سلامت روان و عملکرد اجتماعی پایین‌تری در بعد

کیفیت زندگی قرار داشتند، لذا آموزش مهارت‌های مقابله‌ای با تمرکز بر تقویت راهبردهای مذهبی مثبت در مراقبت‌های معمول از بیماران مبتلا به عروق کرونر در جهت بهبود وضعیت سلامت و در نهایت کیفیت زندگی این بیماران پیشنهاد می‌شود (طاهری خرامه و همکاران، ۱۳۹۲).

اسماعیلی و قاسمی پژوهشی با عنوان «آموزش‌های شهروندی به عنوان محوری‌ترین نیاز فرهنگی شهروندان در اصفهان» انجام داده‌اند که یافته‌های آن نشان می‌دهد، آموزش شهروندی موجب افزایش انسجام اجتماعی گردیده و انسجام اجتماعی رابطه مستقیمی با میزان کیفیت زندگی دارد.

در این راستا در سال ۱۹۹۹، پژوهشی توسط هیکز و هولدن انجام گرفته است که نتایج آن نشان می‌دهد، بچه‌ها بین سنین ۱۱ تا ۱۴ سالگی به طور افزایشی نسبت به مسائل و مباحثی همچون تنوع فرهنگی، آلودگی زیست محیطی و مسائل جمعیتی و کیفیت زندگی حساس هستند که عمدتاً ریشه‌ی فراملی دارند، آموزش‌های مناسب می‌تواند این میل به یادگیری را با هدایت صحیح و منطقی به سر منزل مقصود برساند و کیفیت مطلوب زندگی اجتماعی را به دنبال داشته باشد (قائدی، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

علاوه بر تحقیقات مطرح شده پیرامون سبک زندگی و آموزش شهروندی پژوهش‌هایی در راستای مطالعه فرهنگ شهروندی، به انجام رسیده که از آن جمله می‌توان به پژوهش اذانی و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد اشاره کرد که نشان می‌دهد، میزان پایبندی شهروندان یزدی به ابعاد سه-گانه‌ی شهروندی یعنی مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت به اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشد و آموزش فرهنگ شهروندی می‌تواند در

افزایش کیفیت زندگی مؤثر باشد.

نتایج پژوهش شاه‌طالبی و همکاران، با عنوان «تعیین مؤلفه‌ها، محتوا و اثر بخشی آموزش‌های فرهنگ شهروندی در دوره‌های راهنمایی تحصیلی شهرستان اصفهان» در سال ۸۸-۸۹ نشان می‌دهد که در هر پنج بعد (حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، قانون‌پذیری، رفتار و روابط انسانی، هویت ملی و بهداشت عمومی)، آموزش‌های فرهنگ شهروندی از اثربخشی برخوردار بوده‌اند.

هاشمیان‌فر و گنجی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، با استفاده از نظریه‌ها و مدل‌های گوناگون، ابعاد کمی و کیفی فرهنگ شهروندی (مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین) را در شهر اصفهان مورد بررسی قرار داده‌اند، نتیجه حاصل از این پژوهش، نشان می‌دهد که میزان پایبندی شهروندان اصفهانی به اصول و هنجارهای فرهنگ شهروندی در حد متوسط است. عدم رعایت قوانین و فقدان فرهنگ همکاری از موانع عمده فرهنگ شهروندی و کاهش کیفیت زندگی در شهر اصفهان است که بایستی مسئولان و برنامه‌ریزان جهت رفع این موانع، مجدانه تلاش نمایند (اذانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۴). با توجه به مباحث فوق فرضیه‌های تحقیق به شرح ذیل است:

- بین ابعاد آموزش شهروندی و کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- بین میزان پایبندی به ابعاد فرهنگ شهروندی و کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.
- بین سبک زندگی و کیفیت زندگی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایش اجتماعی می‌باشد. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در این

تحقیق، کل جمعیت ۱۷ تا ۶۰ ساله‌ی شهرهای آران و بیدگل و کاشان در سال ۱۳۹۳ می‌باشد. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه به تعداد ۲۵۰ نفر به دست آمده و از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای برای توزیع پرسش‌نامه‌ها استفاده شده است. روائی پرسشنامه، با استفاده از روائی صوری و پایایی آن با محاسبه‌ی آلفای کرونباخ قابل قبول تعیین شده است. داده‌ها پس از کد گذاری با نرم افزار spss، پردازش و با آماره‌های توصیفی و استنباطی (آزمون t-tset، همبستگی پیرسون و رگرسیون) تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا به توصیف مفاهیم اصلی پژوهش و پس از آن به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

الف) یافته‌های توصیفی

در این قسمت، مشخصات فردی پاسخگویان ارایه و سپس مفهوم کیفیت زندگی، سبک زندگی، فرهنگ شهروندی و آموزش شهروندی توصیف شده است.

۱- مشخصات فردی

از مجموع ۲۵۰ پاسخگوی مورد بررسی ۶۲/۸ درصد زن و ۳۷/۲ درصد از آن‌ها مرد می‌باشند که از این تعداد، ۲۳/۶ درصد مجرد و ۷۶/۴ درصد متأهل هستند. میانگین سنی پاسخگویان نیز ۳۲ سال است. از نظر وضعیت تحصیلی ۱۰/۴ درصد تحصیلات خود را ابتدایی، ۸/۸ درصد راهنمایی، ۳۱/۶ درصد دیپلم، ۴/۸ درصد فوق دیپلم، ۳۷/۶ درصد لیسانس، ۶/۸ درصد فوق لیسانس و بالاتر بیان کرده‌اند.

۲- کیفیت زندگی

در این مقاله منظور از مفهوم کیفیت زندگی، درک افراد از موقعیتشان در زندگی

بر اساس اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌هایشان است (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۶). روایی و اعتبار طیف با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۵) مورد تأیید قرار گرفته است و براساس ۴ بعد سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیط در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

جدول ۱: آماره‌های قابل مقایسه میزان کیفیت زندگی در بین پاسخگویان

ابعاد	کرانه پایین	کرانه بالا	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
سلامت جسمانی	۱۲	۳۶	۲۴	۲۷/۶۶	۴/۲۲	-۰/۶۶۷	۱/۲۹۲
سلامت روانی	۸	۲۰	۱۲	۱۵/۲۱	۲/۴۷	-۰/۴۷۴	-۰/۰۴۳
روابط اجتماعی	۴	۱۲	۸	۱۹/۶۹	۱/۶۹	-۰/۷۸۸	۰/۷۲۲
سلامت محیط	۱۳	۳۲	۱۹	۲۴/۷۰	۳/۷۹	-۰/۲۴۹	۰/۰۷۱

با تقسیم دامنه‌ی تغییر هر یک از ابعاد مورد نظر در جامعه‌ی آماری و تقسیم آن به عدد سه با فواصل برابر، توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان کیفیت زندگی به دست آمده است که با مقایسه‌ی میانگین‌ها مشخص می‌شود، میزان سلامت جسمانی شهروندان بیش‌تر از میزان روابط اجتماعی و سلامت روانی شهروندان است. همچنین میانگین سلامت محیط در شهر آران و بیدگل و کاشان (۲۴/۷۰) بوده که مثبت بودن کشدگی آن نشان می‌دهد، که توزیع بالاتر از نرمال است و بیش‌تر داده‌ها حول میانگین جمع شده‌اند و پراکنش پاسخ‌ها کم‌تر است و منفی بودن چولگی نیز نشان می‌دهد که بیش‌تر داده‌ها سمت راست نمودار جمع شده‌اند و نمرات افراد حول مقادیر بالای سلامت محیط متمرکز می‌باشد و میانگین بالا می‌باشد.

۳- سبک زندگی

در این پژوهش، منظور از سبک زندگی ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی است و شامل جنبه‌های مختلفی نظیر تغذیه، تحرک بدنی، استرس، مصرف دخانیات، و کیفیت خواب است که در پی فرآیند اجتماعی شدن به وجود آمده است. در باب اهمیت این مفهوم رهبر انقلاب اسلامی می‌فرمایند: اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم این تمدن دارای دو بخش ابزاری و حقیقی و اساسی خواهد بود که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد. در این پژوهش روایی و اعتبار طیف با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۴) مورد تأیید قرار گرفته است و براساس ۷ بعد در قالب ابعاد نحوه گذران اوقات فراغت، تعامل اجتماعی، خوداتکایی و قدرت انتخاب، نحوه زندگی، شرایط محل زندگی، پایداری به ارزش‌ها و مسائل مالی در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

جدول ۲: آماره‌های قابل مقایسه سبک زندگی در بین پاسخگویان

ابعاد	کرانه پایین	کرانه بالا	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
نحوه گذران اوقات فراغت	۷	۲۸	۲۱	۱۹/۶۸	۳/۲۷	-۰/۴۲۳	۰/۸۸۱
تعامل اجتماعی	۹	۲۸	۱۹	۲۲/۸۰	۳/۴۱	-۰/۸۴۷	۱/۲۰۳
خوداتکایی و قدرت انتخاب	۵	۲۰	۱۵	۱۶/۷۸	۲/۸۶	-۰/۹۹۶	۱/۱۲۶
نحوه زندگی	۳۱	۵۶	۲۵	۴۵/۲۳	۵/۴۹	-۰/۱۷۱	-۰/۶۷۸
شرایط محل زندگی	۴	۱۶	۱۲	۱۳/۶۹	۲/۱۵	-۱/۰۸۵	۱/۵۸۵
پایداری به ارزش‌ها	۵	۱۲	۷	۱۰/۹۰	۱/۳۷	-۱/۳۸۳	۱/۹۴۳
مسائل مالی	۳	۱۲	۹	۷/۹۳	۲/۲۳	-۰/۱۰۳	-۰/۶۵۸

با توجه به جدول بالا، از مقایسه میانگین‌ها مشخص است که بعد نحوه‌ی زندگی بالاترین میانگین را نسبت به سایر بعدها از جمله بعد مسایل مالی، پایبندی به ارزش‌ها، شرایط محل زندگی، خوداتکایی و قدرت انتخاب و نحوه‌ی گذران فراغت دارد. میانگین نحوه‌ی زندگی دارای چولگی (۰/۱۷۱-) است که نشان می‌دهد که بیش‌ترین توزیع داده‌ها در سمت راست و بالای نمودار است. کشیدگی میزان پراکنش را نشان می‌دهد. کشیدگی در بعد منفی است و بیان‌گر این است که توزیع داده‌ها در این بُعد پایین‌تر از توزیع نرمال است و نشان از بالا بودن واریانس و انحراف معیار است. داده‌ها حول میانگین متمرکز شده‌اند با تقسیم جامعه آماری به ۳ عدد با فواصل برابر، میزان بُعد نحوه زندگی پاسخگویان بدست آمده است.

۴- فرهنگ شهروندی

منظور از فرهنگ شهروندی در این پژوهش، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات اجتماعی به اضافه توان‌مندی‌های اکتسابی تک تک افراد جامعه می‌باشد. این فرهنگ، وظیفه‌ی تعیین و تنظیم ارتباطات متقابل مردم یک جامعه و وظایف آن‌ها در قبال یکدیگر را بر عهده دارد. فرهنگ شهروندی همچنین زمینه‌های لازم برای رشد افراد جامعه، تصحیح رفتارهای ناهنجار اجتماعی و تعیین جایگاه افراد یک جامعه را بر عهده دارد. بر همین اساس، ارتقای سطح فرهنگ شهروندی در یک معنا بهبود قوانین و مقررات فرهنگی - اجتماعی، ارائه آموزش‌های لازم به مردم برای آگاهی از حقوق اجتماعی خود و دیگران و تعیین معیارهایی برای رفتار صحیح افراد جامعه است. در این پژوهش روایی و اعتبار طیف با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۱) مورد تأیید قرار گرفته است و بر اساس ۲ بعد پایبندی به ارزش‌های فردی و جمعی، پایبندی

به هنجارها در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

جدول ۳: آماره‌های قابل مقایسه میزان فرهنگ شهروندی در بین پاسخگویان

ابعاد	کرانه پایین	کرانه بالا	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
پابندی به ارزش‌های فردی و جمعی	۳۹	۶۴	۲۵	۵۴/۷۲	۵/۶۹	-۰/۲۹۱	-۰/۴۱۲
پابندی به هنجارها	۲۶	۵۶	۳۰	۴۶/۳۵	۵/۹۸	-۰/۳۷۴	-۰/۲۵۳

با تقسیم دامنه‌ی تغییر هر یک از ابعاد مورد نظر در جامعه‌ی آماری و تقسیم آن به عدد سه با فواصل برابر، توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان فرهنگ شهروندی به دست آمده است که با مقایسه‌ی میانگین‌ها مشخص می‌شود، میزان پابندی به ارزش‌های فردی و جمعی شهروندان بیش‌تر از میزان پابندی به هنجارهای شهروندان است. همچنین میانگین پابندی به ارزش‌های فردی و جمعی شهروندان در شهر آران و بیدگل و کاشان (۵۴/۷۲) است. چولگی منفی (-۰/۳۷۴) نشان دهنده‌ی این است که داده‌ها سمت راست نمودار جمع شده‌اند و نمرات افراد حول مقادیر بالای پابندی به هنجارها متمرکز می‌باشد. همچنین میانگین بالا است و کشیدگی منفی (-۰/۲۵۳) حاکی از این است که داده‌ها پراکنده هستند و انحراف معیار بالا است و پاسخ‌ها حول میانگین جمع نشده‌اند اما، توزیع نرمال می‌باشد.

۵- آموزش شهروندی

در این پژوهش آموزش شهروندی به عنوان یکی از متغیرهای مستقل تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، روایی و اعتبار طیف با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۶) مورد تأیید قرار گرفته است و براساس ۳ بعد نگرش شهروندی،

مهارت شهروندی و دانش شهروندی در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

جدول ۴: آماره‌های قابل مقایسه میزان آموزش شهروندی در بین پاسخگویان

ابعاد	کرانه پایین	کرانه بالا	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
نگرش شهروندی	۱۸	۳۶	۱۸	۳۱/۳۱	۳/۰۵	-۱/۰۰۱	۱/۱۷۷
مهارت شهروندی	۱۲	۲۴	۱۲	۱۹/۴۵	۲/۶۸	-۰/۳۸۲	-۰/۳۸۲
دانش شهروندی	۱۳	۴۴	۳۱	۲۹/۵۴	۵/۹۵	-۰/۰۳۳	-۰/۰۰۹

با تقسیم دامنه‌ی تغییر هر یک از ابعاد مورد نظر در جامعه‌ی آماری و تقسیم آن به عدد سه با فواصل برابر، توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان آموزش شهروندی به دست آمده است که با مقایسه‌ی میانگین‌ها مشخص می‌شود، میزان نگرش شهروندی شهروندان بیش‌تر از میزان مهارت شهروندی آن‌ها است. همچنین، میانگین دانش شهروندی در شهر آران و بیدگل و کاشان (۲۹/۵۴) است. دانش شهروندی دارای چولگی منفی (-۰/۰۳۳) است که نشان دهنده‌ی این است که داده‌ها سمت راست نمودار جمع شده‌اند و نمرات افراد حول مقادیر بالای مهارت شهروندی متمرکز می‌باشد. همچنین میانگین بالا است و کشیدگی منفی (-۰/۰۰۹) حاکی از این است که داده‌ها پراکنده هستند و انحراف معیار بالا است و پاسخ‌ها حول میانگین جمع نشده‌اند اما توزیع نرمال می‌باشد.

(ب) تحلیل یافته‌ها

در این قسمت به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شده است.

۱. رابطه بین ابعاد آموزش شهروندی و کیفیت زندگی

در این تحقیق در بررسی رابطه‌ی بین آموزش شهروندی و کیفیت زندگی، همبستگی بین هریک از ابعاد آموزش شهروندی و کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد آموزش شهروندی و کیفیت زندگی

کیفیت زندگی		ابعاد آموزش شهروندی
مقدار p	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۶۰	نگرش شهروندی
۰/۰۰۰	۰/۳۵۹	مهارت شهروندی
۰/۰۰۱	۰/۲۱۷	دانش شهروندی
۰/۰۰۰	۰/۳۴۸	آموزش شهروندی

با توجه به نتایج جدول فوق، مشاهده می‌شود که بین همه‌ی ابعاد آموزش شهروندی و کیفیت زندگی شهروندان شهر آران و بیدگل و کاشان رابطه‌ی معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$). همچنین، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ($r = ۰/۳۴۸$)، به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی، با افزایش آموزش شهروندی، افزایش معناداری در میزان کیفیت زندگی شهروندان به وجود می‌آید.

۲. رابطه بین میزان پایداری به ابعاد فرهنگ شهروندی و کیفیت زندگی

در جدول ذیل رابطه‌ی بین ابعاد آموزش شهروندی و کیفیت زندگی مطرح شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد فرهنگ شهروندی و کیفیت زندگی

کیفیت زندگی		ابعاد فرهنگ شهروندی
مقدار p	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۳۵	ارزش‌های فردی و جمعی
۰/۰۰۰	۰/۳۹۰	هنجارها
۰/۰۰۰	۰/۳۸۸	فرهنگ شهروندی

با توجه به نتایج جدول بالا، مشاهده می‌شود که بین ابعاد فرهنگ شهروندی و کیفیت زندگی شهروندان شهر آران و بیدگل و کاشان رابطه معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$). به عبارتی با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ($r = ۰/۳۸۸$) به دست آمده از فرهنگ شهروندی می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش پایبندی به فرهنگ شهروندی، افزایش معناداری در میزان کیفیت زندگی شهروندان به وجود می‌آید.

۳. رابطه بین سبک زندگی و کیفیت زندگی

در جدول شماره ۷ (۷)، رابطه‌ی بین سبک زندگی و کیفیت زندگی پاسخگویان ارایه گردیده است.

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سبک زندگی و کیفیت زندگی

کیفیت زندگی		متغیر
مقدار p	ضریب همبستگی	سبک زندگی
۰/۰۰۰	۰/۷۰۹	

با توجه به نتایج جدول فوق، مشاهده می‌شود که بین سبک زندگی و کیفیت

زندگی شهروندان آران و بیدگل و کاشان رابطه معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). به عبارتی، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی ($r = 0/709$) به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که با بهبود سبک زندگی شهروندان، میزان کیفیت زندگی آن‌ها افزایش می‌یابد.

۴. تجزیه و تحلیل چند متغیره

در این بخش از رگرسیون چندگانه به منظور تبیین مجموعه عوامل استفاده شده است. رگرسیون چندگانه روشی آماری است که در آن حضور متغیرها در تبیین متغیر وابسته در کنار هم سنجیده می‌شود. برای رسیدن به چنین هدفی از روش رگرسیونی گام به گام استفاده گردیده است. لازم به توضیح است که در روش گام به گام، مجموعه‌ی متغیرها وارد مدل می‌شوند و تنها متغیرهایی که اثرات بیش‌تر و معناداری بر متغیر وابسته داشته باشند، در مدل باقی می‌مانند. در انجام تحلیل رگرسیون چندگانه در این تحقیق در مجموع، ۳ متغیر آموزش شهروندی، فرهنگ شهروندی و سبک زندگی وارد معادله گردیده‌اند. از میان سه متغیر وارد شده در معادله، تنها متغیر سبک زندگی در سطح آلفای ۰/۰۵، معنادار تشخیص داده شده و در معادله باقی ماند و ۲ متغیر دیگر از معادله خارج و حذف گردیده‌اند. نتایج مربوط به رگرسیون عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی شهروندان به روش گام به گام در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۸: شاخص کفایت مدل رابطه کیفیت زندگی و سبک زندگی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار خطا	دوربین - واتسون
۱	۰/۷۰۹	۰/۵۰۲	۰/۵۰۰	۷/۴۴۸	۱/۹۷۲

در مدل شماره ۱، موثرترین متغیر در میزان کیفیت زندگی پاسخگویان، یعنی میزان سبک زندگی در ابتدا وارد مدل شد که دارای ۷۱ درصد همبستگی با میزان کیفیت زندگی بوده است ($R= ۰/۷۰۹$). ضریب تعیین ($۰/۵۰۲$) بدست آمده است که این مقدار نشان می‌دهد متغیر سبک زندگی به تنهایی بیش از ۵۰ درصد تغییرات کیفیت زندگی را تبیین می‌کند. هم‌چنین ستون مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده، نیز نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از تغییرات در میزان کیفیت زندگی جامعه آماری تحقیق، توسط سبک زندگی قابل توضیح است. علاوه بر این با توجه به این که مقدار آماره دورین - واتسون از مقدار استاندارد $۱/۵$ بزرگ‌تر است در نتیجه استقلال باقیمانده‌ها را نتیجه گرفته می‌شود. با توجه به شاخص‌هایی که عنوان شد، مدل از کفایت لازم برخوردار می‌باشد. در جدول زیر معنادار بودن رگرسیون بوسیله آزمون F محاسبه شده است.

جدول ۹: جدول آزمون تحلیل واریانس جهت معنی‌داری مدل رگرسیونی

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	آماره F	مقدار p
مدل بین گروهی	۱۳۸۹۷/۳۸۲	۱	۱۳۸۹۷/۳۸۲	۲۵۰/۴۸۲	۰/۰۰۰
مدل درون گروهی	۱۳۷۵۹/۶۶۲	۲۴۸	۵۵/۴۸۳	-	-
کل	۲۷۶۵۷/۰۴۴	۲۴۹	-	-	-

با توجه به اینکه در جدول شماره ۹، مقدار p کم‌تر از سطح معناداری $۰/۰۵$ است بنابراین، شکل رگرسیونی تبیین شده خطی است. به منظور فهم دقیق‌تر شدت و جهت تأثیر متغیر مستقل (سبک زندگی) بر میزان کیفیت زندگی پاسخگویان از ضرایب تأثیر کمک گرفته شده است.

جدول ۱۰: ضرایب اثرگذاری متغیر مستقل در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

مقدار p	t	ضریب خام (غیر استاندارد)			متغیر
		ضریب استاندارد	انحراف معیار خطا	B	
۰/۸۶۴	۰/۱۷۱	-	۴/۸۵۳	۰/۸۲۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۵/۸۲۷	۰/۷۰۹	۰/۰۳۵	۰/۵۵۸	سبک زندگی

با توجه به جدول فوق و مقدار **Beta** به دست آمده (۰/۷۰۹)، می‌توان گفت که متغیر سبک زندگی ۰/۷۰۹ درصد بر میزان کیفیت زندگی اثر می‌گذارد. همچنین با توجه به مقدار **t** بدست آمده که از سطح معناداری قابل قبولی برخوردار است می‌توان با اطمینان قضاوت کرد که بخشی از تغییرات و نوسانات در میزان کیفیت زندگی پاسخگویان تحقیق بر اثر متغیر سبک زندگی است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت زندگی شهروندان شهر آران و بیدگل و کاشان پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین آموزش شهروندی و کیفیت زندگی شهروندان شهرهای آران بیدگل و کاشان رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی $r=0/348$ ، به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش آموزش شهروندی افزایش معناداری در میزان کیفیت زندگی شهروندان به وجود می‌آید. به عنوان نمونه، نتایج تحقیقات امیری و برمکوهی نشان می‌دهد که اجرای برنامه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی با ایجاد تغییراتی در خودآگاهی، درک و فهم احساسات و افکار، سبک‌های ارتباطی، گرایش‌های رفتاری، احساس خودکارآمدی و کفایت

فردی در دانشجویان منجر به تغییر رفتار و در نهایت افزایش کیفیت زندگی آنان شده است. همچنین، یافته‌های پژوهش اسماعیلی و قاسمی بیان‌گر این است که آموزش شهروندی موجب افزایش انسجام اجتماعی گردیده و انسجام اجتماعی، رابطه مستقیمی با میزان آگاهی و کیفیت زندگی اعضای جامعه دارد. دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که بین سبک زندگی و کیفیت زندگی شهروندان شهر آران بیدگل و کاشان رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی، با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی $r=0/709$ ، به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که با بهتر شدن سبک‌های زندگی، کیفیت زندگی شهروندان نیز بهبود می‌یابد. با توجه به مقدار بتای به دست آمده $Beta = 0/709$ ، می‌توان گفت که متغیر سبک زندگی $0/709$ درصد، بر میزان کیفیت زندگی اثر می‌گذارد. همچنین با توجه به مقدار t بدست آمده که از سطح معناداری قابل قبولی برخوردار است، می‌توان با اطمینان قضاوت کرد که بخشی از تغییرات و نوسانات در میزان کیفیت زندگی پاسخگویان تحقیق بر اثر متغیر سبک زندگی است. از این رو، می‌توان گفت که بین سبک زندگی، فرهنگ و آموزش شهروندی با کیفیت زندگی شهروندان همبستگی وجود دارد و از این میان، متغیر سبک زندگی نقش مؤثرتری بر کیفیت زندگی شهروندان داشته است. پژوهش فیضی (۲۰۱۱)، نیز نشان می‌دهد که هر چه سبک زندگی فرد، دارای سلامت بهداشت بالاتر باشد، کیفیت زندگی و میزان رضایت از زندگی فرد بالاتر می‌رود. یافته‌های پژوهش بوتین و گریفین نیز نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌ها و سبک زندگی بر کاهش مصرف مواد، ارتقاء سطح کیفیت زندگی و بهبود راهکارهای مقابله‌ای مؤثر در مقابله با مشکلات و شرایط فشارزا تأثیر مثبتی داشته است. همچنین بر اساس یافته‌های

مطالعه طاهری خرامه و همکارانش، علاوه بر نقش جنسیت در کیفیت زندگی، بیماران با سبک‌های مقابله‌ای مذهبی منفی، در خطر سلامت روان و عملکرد اجتماعی پایین‌تری در بعد کیفیت زندگی قرار دارند، لذا آموزش مهارت‌های مقابله‌ای با تمرکز بر تقویت راهبردهای مذهبی مثبت در مراقبت‌های معمول از بیماران مبتلا به عروق کرونر در جهت بهبود وضعیت سلامت و در نهایت کیفیت زندگی این بیماران پیشنهاد می‌شود. لیبو نیز در تعریف کیفیت زندگی خود عنوان کرد که کیفیت زندگی حاصل رضایت‌مندی، ثروت و سبک زندگی است.

منابع

- اذانی، مهری و حاتمی، مجتبی و حاتمی، حسین (۱۳۹۰)، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد، *فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی فضایی جغرافیا*، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۲.
- امیری، برمکوهی، ع (۱۳۸۸)، آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش افسردگی، *فصلنامه روان‌شناسی تحولی*، روان‌شناسان ایرانی، ۵ (۲۰).
- اونق، ناز محمد، (۱۳۸۴)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، *رساله کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی تهران.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۵)، اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در ژاپن، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۶۶-۴۵.
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی سیاسی*، تهران، سمت.
- رسولی، محمدرضا (۱۳۸۲)، بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون، *مجله علوم اجتماعی*، ص ۵۴.
- رفیعی، کامبیز و لطفی، حیدر (۱۳۸۹)، آموزش شهروندی و نقش آن در تحقق و دست‌یابی به توسعه پایدار شهری مطالعه موردی: منطقه ۵ تهران، *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، شماره ۴، سال دوم.
- شربتیان، محمد حسن (۱۳۸۷)، تأملی بر فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهای گسترش آن، *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، شماره ۸ و ۹، صص ۱۱۹-۱۵۴.
- شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۱)، *اخلاق و سبک زندگی اسلامی*، همیشه بهار، ص ۱۴۶.
- طاهری خرامه، زهرا؛ یاسر، سعید؛ عبادی، عباس (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط سبک‌های مقابله‌ای مذهبی و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به بیماری عروق کرونر، *نشریه*

- پرستاری قلب و عروق، دوره دوم، شماره ۱.
- عنبری، موسی (۱۳۸۹)، بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران (۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵)، فصلنامه توسعه روستایی، شماره ۲، ص ۱۸۱-۱۴۹.
 - غفاری، غلامرضا و امید، رضا، (۱۳۸۸)، کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، تهران، نشر شیرازه.
 - فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، نشر صبح صادق.
 - فاطمینیا، سیاوش (۱۳۸۶)، فرهنگ شهروندی، محصول و محمل حاکمیت خوب. سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه ی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ی ۲۶، صص ۳۵-۵۸.
 - فتحی و اجارگاه، کورش و واحد چوکده، سکینه، (۱۳۸۸)، آموزش شهروندی در مدارس، تهران، نشر آیین.
 - فتحی و اجارگاه، کورش و دیا (۱۳۸۵)، طلعت، ویژگی‌های شهروند خوب برای جامعه‌ی ایران و میزان انطباق برنامه‌های درسی مدارس با این ویژگی، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی، صص ۶۲-۳۳.
 - فتحی، سروش و ثابتی، مریم (۱۳۹۱)، توسعه ساختار سازمان شهری و گسترش فرهنگ شهروندی، مطالعات شهری، شماره ۲، ص ۱۶۳.
 - فیضی، مجتبی (۱۳۹۲)، سبک زندگی پیشینه، واژه و مفهوم‌شناسی، معارف، شماره ی ۹۶.
 - قائدی، یحیی (۱۳۸۵)، تربیت شهروند آینده، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۸۳-۲۱۰.
 - کفاشی، مجید (۱۳۸۷)، تأثیر امکانات شهری بر فرهنگ شهروندی مورد مطالعه منطقه ۸ تهران، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، شماره ۱۳، صص ۷۸-۱۲۰.

- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵)، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۱۱.
- محمودی، مریم و کار کیانوش، زهرا و شعبانی، حسن (۱۳۹۲)، اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبود کیفیت زندگی دانشجویان روان‌شناسی تحولی، *روان‌شناسان ایرانی*، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۷۱-۷۹.
- مختاری، مرضیه و نظری، جواد، (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی کیفیت زندگی*، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- موشار دانیل، ایودور ماگن ژان، (۱۳۸۹)، *مبانی جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، تهران، نشر آگه.
- نظام‌نامه جامع آموزش و مشارکت‌های شهروندی شهرداری تهران، (۱۳۸۵)، تهران، *انتشارات معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران*، اداره کل آموزش و مشارکت‌های شهروندی.
- هاشمیان‌فر، سید علی و عجمی، شهرزاد (۱۳۹۱)، بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان، *مطالعات شهری*، سال دوم، شماره ۳، ص ۲۰۹.
- هاشمیان‌فر، سید علی و گنجی، محمد (۱۳۸۸)، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، *فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۳۳، ص ۴۴-۲۵.
- Alabas, Kemazan. (2010), *Primary School Students Conceptions of Citizenship*, Journal Procedia Social and Sciences, 2.
- Botvin GJ, Griffin KW. Life Skill Traini (2004), *empirical fined ing and future direction*. J Prim Prev.; 25(2): 211-218
- Dalkey, N. C. et al.,(1972), *Studies inQuality of Life, Wash ington DC*. Lexington Books.
- Diwan, R. (2000), “*Relational Wealth and Quality of Life*”, Journal of Socio-Economics, Vol. 29.

- Esmaeeli, R., & Ghasemi, V. (2001), *Citizenship education as a central requirement of citizens in Isfahan*. Review of Citizen Culture Development Conference Proceedings. Isfahan: Moheban. 115 – 117. (In Persian).
- Feizi A (2011), [*Study of relationship between stress and different lifestyle dimensions with quality of life in Isfahan's inhabitants aged 19 and older an application of latent class regression on latent factor predictors*] [Article in Persian]. J Health Sys Res; 7(6):1188-202.
- Liu, B. (1976), *Quality of life indicators in U.S metropolitan areas: A statistical analysis*, New YorkRutledge.
- Shahtalebi, B., Sharifi, S., & Gholizadeh, A. (2011), *Determining the content and effectiveness of citizenship education at school. Isfahan*: Leisure and Cultural Organization Municipality and Planning Department. (In Persian).
- Tobias, R (1997), *the boundaries of education for active citizenship*: institutional and community context, Secuter Aotearo, Newzealand
- Wenzel, V. Weichold, K. Silber eisen, R. (2009), *The Life Skills program IPSY*. Positive influence on school bonding and prevention of substance misuse, Journal of Adolescence, 32, 1391-1401
- World Health Organization. Geneva: (1996).